

## بررسی مقایسه‌ای عوامل تنیدگی‌زا و

## شیوه‌های مقابله با آن در دختران

## فراری و عادی شهر تهران

مهتاب بازیاری میمندی\*، دکتر کاظم رسول‌زاده طباطبایی\*

دکتر پرویز آزادفلاح\*

### چکیده

هدف از این پژوهش، بررسی مقایسه‌ای عوامل تنیدگی‌زا و شیوه‌های مقابله با عوامل تنیدگی‌زا در دختران فراری و عادی شهر تهران می‌باشد. در این پژوهش از یکسو میزان عوامل تنیدگی‌زای دختران فراری و عادی و از سوی دیگر شیوه‌های مقابله‌ای آنان مورد مقایسه قرار گرفته است. در پژوهش حاضر که یک مطالعه پس رویدادی است و برای آزمون فرضیه‌ها تعداد ۹۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند (۴۵ نفر دختر فراری و ۴۵ نفر دختر عادی) نمونه دختران فراری از زندانها و مراکز نگهداری بهزیستی و دخترانی که یک بار سابقه فرار داشتند و تحویل به خانواده می‌شدند، انتخاب گردید و نمونه دختران عادی با خصوصیتی مشابه دختران فراری از دبیرستانهای دخترانه منطقه ۶ تهران به طور تصادفی انتخاب شدند. تمام آزمودنی‌ها با استفاده از «مقیاس رویدادهای زندگی ویژه نوجوانان» و «پرسشنامه شیوه‌های مقابله»، مورد ارزیابی قرار گرفتند. نتایج بدست آمده نشان داد که بین عوامل تنیدگی‌زا و شیوه‌های مقابله با عوامل تنیدگی‌زا در دختران فراری و عادی تفاوت معناداری وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: نوجوانان، دختران فراری، عوامل تنیدگی‌زا، شیوه‌های مقابله.

\* گروه روانشناسی دانشگاه تربیت مدرس

## ● مقدمه

دوره نوجوانی<sup>۱</sup> به دلیل تحولات عمده در ابعاد مختلف تحول، از حساس‌ترین دوره‌های زندگی انسان است. دوره‌ای که در آن سه حیطه وسیع روانی، اجتماعی و زیستی دچار تحول بنیادی می‌شود. در این دوره، اصلی‌ترین مسأله، کسب هویت و شکل‌گیری فردیت است. اصولاً انتقال از یک دوره به دوره دیگر، معمولاً با تنیدگی‌هایی<sup>۲</sup> همراه است. نوجوانی هم به خاطر گذار از مرحله کودکی به بزرگسالی با تنیدگی‌هایی همراه است. تغییرات عمیق و تحولات سریع دوران نوجوانی از یک طرف و بحرانهای اجتماعی و کاهش شبکه ارتباطی خانوادگی و اجتماعی از طرف دیگر، زمینه‌ساز بروز تنیدگی‌های بیشتری در نوجوانان شده است. در این میان، مشکلات خانوادگی و ارتباط با همسالان، انتقاد معلم، مشکلات تحصیلی و ... برای دختران بیشتر از پسران تنیدگی ایجاد می‌کند (کمپاز، اروسان و گرانت، ۱۹۹۳). فرار دختران از خانه در حقیقت نوعی واکنش به شرایط نامساعد و تنیدگی‌زای درون خانه می‌باشد (لوپس، ۱۹۹۱).

به طور کلی تنیدگی، جزئی از زندگی آدمی و غیرقابل اجتناب است. در عین حال که مقدار کمی از تنیدگی می‌تواند مفید باشد و در فرد ایجاد انگیزه کند، تنیدگی زیاد می‌تواند پیامدهای ناگواری را به دنبال داشته باشد. در رابطه با تنیدگی، نظریات مختلفی وجود دارد. برخی آن را به منزله یک محرک<sup>۳</sup>، برخی به منزله یک پاسخ<sup>۴</sup> و عده‌ای آن را به عنوان یک وضع ناشی از تعامل فرد با محیط می‌دانند (سارافینو، ۱۹۹۴)؛ تعاملی که از یک سو شدیداً به الزامات و خاستگاههای محیط و از سوی دیگر به ویژگیهای فرد، بالأخص کیفیت ارزیابی و ادراک وی از این محیط وابسته است. همانطور که اشاره شد نوجوانی ماهیتاً همراه با تنیدگی است؛ حال اگر عوامل تنیدگی‌زای شدیدی نیز در محیط وجود داشته باشد که باعث فشار بیش از حد بر نوجوان شود، ممکن است راه فرار از این محیط تنیدگی‌زا را برگزینند. از جمله عوامل مؤثر در فرار دختران از منزل می‌توان به فقر، تنبیه و اذیت و آزار نوجوان در خانه، تبعیض بین فرزندان، اعتیاد والدین، وجود ناپدری و نامادری، رابطه منفی والد و کودک، از هم گسیختگی خانواده و دوستان ناباب اشاره کرد. بنابراین یکی از ریشه‌های فرار می‌تواند تنیدگی بیش از حد برای یک نوجوان باشد، ولی ارزیابی فرد از تنیدگی و شیوه مقابله<sup>۵</sup> با آن نیز بسیار مهم است. زمانی که موقعیتی تهدید

کننده، خطرناک، لاعلاج، منفی و با اهمیت ارزیابی شود، تنیدگی‌زا است. آشکارترین تقسیم‌بندی در مورد شیوه‌های مقابله، متمایز ساختن آنها در دو مقوله شیوه‌های مقابله، مسئله محور<sup>۶</sup> و هیجان محور<sup>۷</sup> است. برخی از نوجوانان که در شرایط نامطلوبی قرار می‌گیرند و تنیدگی‌های زیادی را تجربه می‌کنند، در مواجهه با تنیدگی از روشهای غیرانطباقی استفاده می‌کنند (رابرتس<sup>۸</sup>، ۱۹۸۲ به نقل از لویس، ۱۹۹۱). در حقیقت فرار، بخشی از رفتار ناسازگارانه است که نوجوان یا کودک مرتکب می‌شود، که ابتدا برای رفع نیازهای عادی و یا پرکردن اوقات فراغت صورت می‌گیرد و بعد به اعمال نابهنجار (دزدی، ولگردی، سوء استفاده جنسی و ...) روی می‌آورد و از همه مهمتر یافتن همسن و سالان خود در پارکها، کوچه‌ها و خیابانهاست که در نهایت ممکن است منجر به تشکیل گروههای بزهکاری شود (کرمی‌نوری، ۱۳۶۸). فرار دختران از خانه در ایران به عنوان یکی از مشکلات حادث روز مطرح است. این دختران، خیابانها را به عنوان راهی برای فرار از مشکلات انتخاب می‌کنند و تبدیل به آواره‌های طرد شده جامعه می‌شوند و برای زنده ماندن راههای مختلفی را جستجو می‌کنند. ترمینالهای اتوبوس اولین محل توقف این دختران است. در اطراف این ترمینالها، اماکن و خرابه‌های زیادی وجود دارد که برای این دختران آسیب‌پذیر، بسیار خطرناک است؛ اماکنی که در آن توزیع و مصرف مواد مخدر و فحشا در حال افزایش است و طبیعی است که این دختران تازه وارد که جایی برای اقامت ندارند، جذب چنین اماکنی می‌شوند (مویر، ۲۰۰۰). برای تشخیص و شناخت دقیق این نوجوانان، باس<sup>۹</sup> (۱۹۹۰ به نقل از کلتن، ۱۹۹۱) پنج دسته از نوجوانان را تعریف کرده است: الف) بچه‌های فراری<sup>۱۰</sup>: این افراد بدون اجازه والدین یا سرپرست خود، خانه را ترک می‌کنند و غالباً به دلیل ناتوانی در بحث و مناقشات کلامی با خانواده و یا مشکلات فردی، فرار می‌کنند. این دسته از فراری‌ها مکرراً اقدام به فرار از منزل می‌کنند و بیشترین مشکلات آنها درگیری با قانون و مشکلات مدرسه است. ب) نوجوانان بی‌خانمان یا رانده شده<sup>۱۱</sup>: این گروه با آگاهی کامل والدین یا سرپرست خود، خانه را ترک می‌کنند، اگرچه ممکن است جایی دیگر برای اقامت نداشته باشند. ج) بچه‌های خیابانی<sup>۱۲</sup>: این دسته برای زمان طولانی، در به در یا فراری هستند. آنها برای حفظ خود در خیابانها مهارت‌های زیادی پیدا می‌کنند و برای زنده ماندن و امرار معاش وارد کارهای پرخطر و غیرقانونی از

قبیل فروش مواد غیرمجاز و یا خود فروشی برای بدست آوردن پول می شوند. د) بچه‌های سازمان یافته<sup>۱۳</sup>: بچه‌هایی که از خانواده خود به سازمانها یا مراکز نگهداری بچه‌ها منتقل می‌شوند. ه) کودکان قربانی<sup>۱۴</sup>: این دسته از سوی والدین یا سرپرست یا دیگر اعضای خانواده خود مورد آزار کلامی، جسمی و یا جنسی قرار گرفته‌اند، بنابراین وجود عوامل تنیدگی‌زای زیاد و استفاده از شیوه‌ی مقابله‌ی غیرانطباقی در برابر این عوامل می‌تواند منجر به فرار از منزل شود.

حال با توجه به اینکه ترقی و تنزل هر جامعه تا حدود زیادی در گرو تربیت نسل جوان آن جامعه است، لذا تحقیق حاضر در پی آن است تا علل اصلی و زیربنایی یکی از معضلات بسیار رایج و روبه افزایش، یعنی فرار دختران از خانه که به عنوان یک عامل مهم در گسترش آسیب اجتماعی، ارکان جامعه را تهدید می‌کند، شناسایی نماید تا بدین وسیله بتوان با برنامه‌ریزی‌هایی در جهت رفع آن معضل و تأمین بهداشت روانی جامعه گام برداشت.

در راستای تحقق این هدف و با در نظر گرفتن تحقیقات پیشین در قلمرو موضوع مورد بررسی، در این پژوهش از یک سو میزان عوامل تنیدگی‌زا در دختران فراری<sup>۱۵</sup> و عادی مورد مقایسه قرار گرفته و از سوی دیگر شیوه‌های مقابله با تنیدگی این دو گروه واری می‌شوند.

#### ● فرآیند روش شناختی

○ جامعه آماری و گروه نمونه: جامعه آماری این تحقیق شامل: الف) دختران فراری ۱۵ تا ۲۵ ساله‌ای است که در زندانها و مراکز نگهداری سازمان بهزیستی به سر می‌برند، همچنین دخترانی که فقط یک بار تجربه فرار از منزل داشته‌اند ولی به خانواده‌هایشان بازگردانیده شدند که در این پژوهش تعداد ۴۵ نفر از دختران فراری که در زندان اوین و کانون اصلاح و تربیت، مراکز نگهداری بهزیستی (مرکز آصف و ارشاد و مرکز مداخله در بحران منطقه شمال تهران) و افرادی که فقط یکبار از منزل فرار کرده و به خانه بازگردانیده شده بودند، انتخاب گردید. ب) دختران غیرفراری ۱۵ تا ۲۵ ساله‌ای که در دبیرستانهای شهر تهران مشغول به تحصیل هستند که در این پژوهش، از بین دختران عادی‌ای که در

دبیرستانهای منطقه ۶ تهران مشغول به تحصیل بودند، با استفاده از روش تصادفی چند مرحله‌ای، تعداد ۴۵ نفر انتخاب شد. این گروه از دختران از لحاظ متغیرهای جمعیت‌شناختی شبیه گروه دختران فراری بودند.

○ ابزار جمع‌آوری اطلاعات: با توجه به موضوع مورد بررسی، در این پژوهش از مقیاس رویدادهای زندگی نوجوانان<sup>۱۶</sup> هولمز و راهه، پرسشنامه شیوه مقابله با عوامل تنیدگی‌زای<sup>۱۷</sup> موس<sup>۱۸</sup> و بیلینگز<sup>۱۹</sup> استفاده شده است.

○ طرح تحقیق و شیوه تجزیه و تحلیل داده‌ها: طرح کلی پژوهش حاضر از نوع طرحهای علی مقایسه‌ای است و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روشهای آمار توصیفی و آزمون آماری<sup>۲</sup> و  $t$  مستقل (برای مقایسه میانگینهای دو گروه) استفاده شده است.

### ● نتایج

بررسی داده‌های جمعیت‌شناختی بیانگر آن است که دامنه سنی دختران فراری بین ۱۵ تا ۲۴ سال می‌باشد که در این دامنه، سنین ۱۶، ۱۷ و ۱۸ سالگی بیشترین درصد را (۵۵٪) به خود اختصاص داده‌اند و میانگین سنی دختران فراری ۱۷ سال و ۱۰ ماه است، همچنین از لحاظ سواد ۴۴٪ از آنها تحصیلات متوسطه، ۳۶٪ تحصیلات راهنمایی، ۱۳٪ تحصیلات ابتدایی داشته و ۴٪ هم بیسواد بودند. از لحاظ وضعیت تأهل نیز ۹۱٪ از آنها مجرد بودند. همچنین حدود ۵۹٪ از آنها سابقه دستگیری، زندان و بازپروری داشته و ۴۷٪ از آنها سیگار و ۱۸٪ هم موخدر استفاده می‌کردند.

○ داده‌های توصیفی مربوط به عوامل تنیدگی‌زا نشان می‌دهد بالاترین میانگین میزان عوامل تنیدگی‌زا (۳۴/۵۷) مربوط به گروه دختران فراری است و این میانگین در دختران عادی ۱۴/۰۴ می‌باشد. به عبارت دیگر، دختران فراری تنیدگی بیشتری نسبت به دختران عادی تجربه کرده‌اند. بیشترین پراکندگی نمره‌ها (۱۲/۴) مربوط به دختران فراری است و این در حالی است که حداکثر نمره در این مقیاس برابر با ۶۹ می‌باشد. از طرفی نیز میانگین میزان ناراحتی ناشی از عوامل تنیدگی‌زا در دختران فراری بیشتر از دختران عادی است، یعنی نمره ۴۹/۱ (دختران فراری) در مقابل ۲۱/۲۳ (دختران عادی). همچنین یافته‌ها نشان داد که بالاترین فراوانی عوامل تنیدگی‌زا در دختران فراری به ترتیب مربوط به عوامل فرار، مرتکب گناه شدن، قطع رابطه با یک دوست صمیمی و ... است و در دختران عادی به

ترتیب مربوط به عوامل تنیدگی‌زای از دست دادن یک شانس یا فرصت خوب، غیبت بیش از یک ماه از مدرسه به علت بیماری، قهر کردن با خواهر و برادر و ... است و بالاترین میزان ناراحتی از عوامل تنیدگی‌زا در دختران فراری به ترتیب مربوط به فرار از منزل، مرتکب گناه شدن، مرگ یکی از اقوام نزدیک و ... می باشد و در دختران عادی به ترتیب مربوط به غیبت بیش از یک ماه از مدرسه به علت بیماری، از دست دادن یک شانس یا فرصت خوب، مرتکب گناه شدن و ... می باشد. حال اگر رتبه بندی عوامل تنیدگی‌زا براساس شدت را با رتبه بندی براساس فراوانی در دختران فراری (صرف نظر از عامل فرار از منزل که در تمام دختران مشترک بود) در نظر بگیریم، مرتکب گناه شدن جزء فراوان ترین عوامل تنیدگی‌زای آنهاست که از لحاظ شدت ناراحتی هم بعد از عوامل فرار قرار می گیرد. به عبارت دیگر فرار از منزل و مرتکب گناه شدن، هم از لحاظ فراوانی و هم از لحاظ شدت ناراحتی از عوامل تنیدگی‌زا در بالاترین سطح قرار دارند. در بین دختران عادی بیشترین فراوانی مربوط به از دست دادن یک شانس یا فرصت خوب و غیبت بیش از یک ماه از مدرسه به علت بیماری است و در بُعد شدت نیز همین دو عامل در بالاترین رتبه قرار دارند.

○ داده‌های توصیفی مربوط به شیوه‌های مقابله با عوامل تنیدگی‌زا نشان می‌دهد که شیوه‌های مقابله‌ای متمرکز بر هیجان‌مداری هم در دختران فراری و هم در دختران عادی در مقایسه با شیوه‌های مقابله‌ای حل مسئله، بسیار بالاتر و بیشتر است. حدود ۹۳٪ از دختران فراری، از شیوه مقابله‌ای هیجان‌مداری و ۷٪ از شیوه مقابله‌ای حل مسئله استفاده نموده‌اند، در حالی که ۷۳٪ از دختران عادی از شیوه مقابله‌ای هیجان‌مداری، ۱۶٪ از شیوه مقابله‌ای حل مسئله و ۱۱٪ از هر دو شیوه مقابله استفاده کرده‌اند.

○ برای بررسی میزان عوامل تنیدگی‌زا در دو گروه، از آزمون t گروه‌های مستقل استفاده شده است. جدولهای ۱ و ۲ این مقایسه‌ها را در مورد میزان تنیدگی و ناراحتی دریافت شده از تنیدگی‌ها در دو گروه نمایان می‌سازد.

جدول ۱- آزمون t مستقل برای مقایسه میانگین‌های دو گروه در میزان عوامل تنیدگی‌زا

آزمودنیها	میانگین نمرات	انحراف معیار	مقدار t مستقل	p
دختران فراری	۳۴/۵۷	۱۲/۴	۹/۶۱	< ۰/۰۰۱
دختران عادی	۱۴/۰۴	۷/۱۶		

جدول ۲- آزمون t مستقل برای مقایسه میانگین‌های دو گروه در میزان ناراحتی از عوامل تنیدگی‌زا

آزمودنیها	میانگین نمرات	انحراف معیار	مقدار t مستقل	p
دختران فراری	۴۹/۱	۱۷/۸۷	۸/۶	< ۰/۰۰۱
دختران عادی	۲۱/۲۳	۲۰/۱۳		

نتایج حاصله از جدولهای ۱ و ۲ نشان می‌دهد که بین دو گروه دختران فراری و عادی از لحاظ میزان عوامل تنیدگی‌زا و همچنین میزان ناراحتی از عوامل تنیدگی‌زا تفاوت معنی‌داری ( $p < ۰/۰۰۱$ ) وجود دارد و دختران فراری هم از لحاظ میزان عوامل تنیدگی‌زا و هم از لحاظ میزان شدت ناراحتی ناشی از آن در سطح بالاتری قرار دارند.

○ برای بررسی این نکته که آیا دختران فراری در مقایسه با دختران عادی از شیوه‌های مقابله متمرکز بر هیجان بیشتری استفاده می‌کنند از آزمون t گروه‌های مستقل استفاده شد که نتایج آن در جدول ۳ نمایان است.

جدول ۳- نتایج آزمون آماری t مستقل در شیوه‌های مقابله‌ای متمرکز بر هیجان

آزمودنیها	میانگین نمرات	انحراف معیار	مقدار t مستقل	p
دختران فراری	۱۳/۲۷	۳/۲۳	۵/۲	< ۰/۰۰۱
دختران عادی	۱۰/۷۷	۲/۹۹		

نتایج حاصله از جدول ۳ نشان می‌دهد که بین دو گروه، از لحاظ شیوه متمرکز بر هیجان مداری تفاوت معناداری ( $p < ۰/۰۰۱$ ) وجود دارد. لازم به ذکر است که بین دو گروه، از لحاظ شیوه متمرکز بر مسئله تفاوت معناداری بدست نیامد.

#### ● بحث و نتیجه‌گیری

○ نتایج بدست آمده از این تحقیق نشان می‌دهد که: (۱) عوامل تنیدگی‌زا در دختران فراری بیشتر از دختران عادی است. (۲) شیوه‌های مقابله‌ای دختران فراری نسبت به دختران عادی بیشتر متمرکز بر هیجان مداری است.

○ در بحث عوامل مؤثر در فرار، تحقیقات متعددی صورت گرفته است (به عنوان مثال لويس، ۱۹۹۱)، که اکثراً حاکی از وجود عوامل تنیدگی‌زا در زندگی این افراد است. نوجوانان به لحاظ قرار گرفتن در یک دوره تحولی بحران هویت و نقش‌پذیری، بالأخص دختران نوجوان بدلیل خصوصیات خاص خود و محدودیتهایی که جامعه برایشان ایجاد می‌کند، تنیدگی بالایی را تحمل می‌کنند. حال اگر شرایط زندگی آنها نامساعد باشد و بین اعضاء خانواده، بالأخص والدین و فرزند رابطه سردی برقرار باشد و به عبارتی نوجوان از یک شبکه اجتماعی حمایت‌کننده‌ای برخوردار نباشد و از طرفی تجربیات کودکی این افراد مملو از شکستها و آسیبه‌ها باشد، منجر به تنیدگی فزاینده‌تر و آسیب‌پذیری بیشتر خواهد شد و آنان آماده ابتلا به انواع مشکلات رفتاری و آسیبه‌های اجتماعی می‌شوند. براساس نتایج حاصله از تحقیق حاضر، میزان عوامل تنیدگی‌زا و میزان ناراحتی از این عوامل در این دختران فراری در سطح بالاتری نسبت به دختران عادی قرار دارد. از طرفی نوع ارزیابی فرد از موقعیتها، نه تنها باعث می‌شود که فرد رویدادهای ناگوار زندگی را فشارزاتر ارزیابی کند، بلکه بر اتخاذ نوع شیوه مقابله با این عوامل تنیدگی‌زا نیز تأثیرگذار است. براساس مطالعه رسنیک (۱۹۹۷)، مهمترین عامل بالابودن تنیدگی در نوجوانان بزهکار و بکاربردن شیوه رویارویی سازش‌نا یافته با تنیدگی، فقدان خانواده و بالأخص از دست دادن والدین می‌باشد. این نوجوانان بیشتر از محیطهایی هستند که در آن محیط، تنیدگی‌های زیادی وجود دارد. این تنیدگی‌ها شامل بدرفتاری، سوء رفتار جنسی در خانواده، فقر، رفتارهای خشونت‌آمیز با آنها، وجود تعارضات در خانواده، ضربه‌های عاطفی، طردشدن از سوی والدین، تنبیهات و کیفرهای سخت، جدایی والدین و به عبارتی وجود یک محیط نامساعد و تنیدگی‌زا است. یافته‌ها نشان می‌دهد که نابسامانی خانواده، سردی روابط عاطفی والدین، متارکه و طلاق، وجود ناپذیری و نامادری، فقر فرهنگی و اعتیاد از مهمترین عوامل برانگیزاننده تمایل به فرار در نوجوانان بوده است. تقریباً ۱۰۰٪ از فراریان وضعیت خانواده خود را آشفته و نابسامان توصیف کرده‌اند (سعیدی، ۱۳۷۲).

○ در تحقیق دیگری که توسط ویت‌بک و هویت (۱۹۹۶) انجام شد، یافته‌ها نشان می‌دهد که اکثر نوجوانان فراری، عوامل تنیدگی‌زای زیادی را در زندگی تجربه کرده‌اند و بیشتر آنها سوء استفاده جنسی، فیزیکی و بدنی، سوء مصرف الکل و داروها توسط



خانواده‌شان، بی‌اعتنایی و سهل‌انگاری، دعوا و تهدید بین فرد و خانواده و در آخر درگیری با قانون را عامل فرار خود دانسته‌اند. در حقیقت فرار اینگونه افراد پاسخی به شرایط نامساعد خانواده، رفتار نامناسب والدین و سایر عوامل تنیدگی‌زا است. همچنین در بُعد میزان ناراحتی از عوامل تنیدگی‌زا، نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که بین دو گروه از لحاظ شدت ناراحتی تفاوت معنی‌داری وجود دارد و دختران فراری نسبت به دختران عادی میزان ناراحتی بیشتری را تجربه کرده‌اند. بنابراین وجود عوامل تنیدگی‌زا در محیط زندگی دختران فراری نقش بسیار مهمی در بروز این پدیده دارد. حال جای این بررسی نیز وجود دارد که آیا وجود این عوامل در محیط آنان، عامل فرار از منزل می‌باشد یا این عامل به دنبال فرار از منزل در دختران منجر به مواجهه با عوامل تنیدگی‌زا بیشتر شده است.

○ علاوه بر وجود عوامل تنیدگی‌زا، نوع ارزیابی فرد از موقعیتها، نه تنها باعث می‌شود که فرد رویدادهای ناگوار زندگی را تنیدگی‌زاتر ارزیابی کند، بلکه بر اتخاذ نوع شیوه مقابله با این عوامل تنیدگی‌زا نیز تأثیرگذار است. علاوه بر این، منابع مقابله‌ای (که مجموعه پیچیده‌ای از عوامل هیجانی، انگیزشی و شناختی و به طور کلی ویژگیهای شخصیتی‌اند) زمینه لازم را برای روشهای مقابله‌ای فراهم می‌کنند و به فرد کمک می‌کنند تا در مواجهه با رویدادهای تنیدگی‌زا، نشانه‌های مرضی کمتر یا بیشتری نشان دهند. حال بررسیهایی که بر روی دختران فراری انجام شده است، نشان می‌دهد که این افراد از منابع مقابله‌ای و حمایتی کمتری برخوردارند و در مقابل رویدادهای تنیدگی‌زا آسیب پذیرترند. به عبارتی این افراد از منابع شخصیتی و محیطی کمتری نسبت به دختران عادی برخوردارند. لذا گرایش بیشتری به استفاده از شیوه هیجان‌مداری در مقایسه با دختران عادی دارند.

○ نتایج حاصله از پژوهش حاضر نیز نشان داد که این افراد در مقابله با عوامل تنیدگی‌زا، نسبت به دختران عادی بیشتر از شیوه مقابله هیجان‌مداری استفاده می‌کنند. اینگونه افراد وقتی که تحت تأثیر تنیدگی زیاد قرار می‌گیرند، احساس می‌کنند که می‌توانند مستقیماً با این تنیدگی‌ها مقابله کنند. اغلب آنها احساس فقدان تدابیر مشخص برای مقابله با این تنیدگی‌ها را دارند؛ بنابراین نوجوانان در مواجهه با این تنیدگی‌ها از راهبردهایی مانند انحرافات، مصرف مواد غیرمجاز و فرار استفاده می‌کنند (کریگ، ۱۹۹۹). این نوجوانان در مقایسه با هم‌تایان عادی‌شان در مواجهه با تنیدگی‌ها، روش

غیرانطباقی را بکار می‌برند (رابرتس، ۱۹۸۲ به نقل از لويس، ۱۹۹۱) و در واقع با توجه به زمینه قبلی که این افراد دارند، از شیوهٔ مقابلهٔ متمرکز بر هیجان، در مواجهه با تنیدگی‌های زندگی خود استفاده می‌کنند.

○ در پایان می‌توان نتیجه گرفت که وجود عوامل تنیدگی‌زای بالا در زندگی این افراد و ضعف توانایی حل مسائل و مشکلات در آنها باعث می‌شود که دختران فراری از شیوهٔ مقابله‌ای فرار، در مقابله با مشکلات استفاده کنند.

○ ○ ○

یادداشتها

- |                                  |                                  |
|----------------------------------|----------------------------------|
| 1- Adolescence                   | 2- Stresses                      |
| 3- Stimulus                      | 4- Response                      |
| 5- Ways of coping                | 6- Problem focused coping        |
| 7- Emotional focused coping      | 8- Roberts                       |
| 9- Bass                          | 10- Runaway children             |
| 11- Homeless or throw away       | 12- Street kids                  |
| 13- System kids                  | 14- Victimized children          |
| 15- Runaway girls                | 16- Adolescent Life Events Scale |
| 17- Ways of Coping Questionnaire | 18- Moos, R. H.                  |
| 19- Billings, A. G.              |                                  |

منابع

- سعیدی، محمد (۱۳۷۲). بررسی علل فرار نوجوانان از خانه، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.

- کرمی نوری، رضا (۱۳۶۸). روانشناسی تربیتی، تهران: مرکز تربیت معلم.

Colten, M. E. & Gore, S. (1991). *Adolescent stress, causes and consequences*, New York.

Compas, B. E. ; Orosan, P. G. & Grant, K. E. (1993). Adolescent stress and coping: Implications for psychopathology during adolescence. *Journal of Adolescence*. 16, 331-349.

Craing, G. J. & Baucum, D. (1999). *Human development*, ed. 8, Prentce-Hall, Inc.

Lewis, M. (1991). *Child and adolescent psychology, a comprehensive test book*, London, Kowkab  
Publisher.

Muir, J. (2000). Iran s girls runaway, *Journal of Psychology*, News 33.

Resnick, M. (1997). *The association of sexual intercourse during childhood with adolescent health  
risk and behaviors*, *Pediatrice*, 94, 907-913.

Sarafino, E. (1994). *Health Psychology*, 2nd ed. John Wiley & Sons, Inc.

Whitbeck, L. & Hoyt, D. (1996). *Midwest homeless adolescent research projects*, Department of  
Sociology and Insitute for Social and Behavioral Research, Iowa State University.

